



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۶ آذر ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسئله ۱۸- مقام اول: نظر به اجنبیه در غیر از دست و صورت- بررسی ادله اختصاص حرمت به قصد تلذذ مصادف با: ۲۰ ربیع الثانی ۱۴۴۱

سال دوم

جلسه: ۴۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بعد از آنکه معنا و مفهوم تلذذ و ریبه معلوم شد، نوبت به بررسی کلی حکم حرمت نگاه با تلذذ و ریبه رسید. عرض کردیم نگاه با تلذذ بنا بر ارتکاز متشرعه، اجماع و برخی از نصوص و روایاتی که در بعضی مواضع وارد شده قطعاً حرام است و چه بسا در این مسأله مخالفی هم نباشد. تنها بحثی که در مورد نگاه با تلذذ مطرح شد، این است که آیا تحریم مختص به جایی است که نگاه به قصد تلذذ باشد یا اعم است. مرحوم شیخ (حداقل در مورد نظری که در خواستگاری صورت می‌گیرد)، فرمودند به سه دلیل این مختص به آن جایی است که قصد تلذذ باشد. این سه دلیل را در جلسه قبل نقل کردیم.

بررسی ادله اختصاص حرمت به قصد تلذذ

اما به نظر می‌رسد این ادله خالی از اشکال نیست.

اشکال به دلیل اول

دلیل اول ایشان این بود که ادله مربوط به جواز نظر به مرأه برای کسی که یزید تزوجها اطلاق دارد. این اطلاق جایی که قصد لذت هم نیست را در برمی‌گیرد؛ یعنی اگر تلذذ قهری حاصل شود و در شمول حکم تردید باشد، اصالة الاطلاق حکم می‌کند به حرمت. عرض شد که این را مرحوم شیخ در خصوص یک مورد گفته اما در همه مواردی که جواز نظر مقید به عدم قصد تلذذ شده، چه بسا این ادله و این بحث قابل جریان باشد.

سؤال:

استاد: جواز نظر به محارم، جواز نظر به نساء اهل ذمه، جواز نظر به نساء اهل بادیه. چون در همه آنها این اطلاق هست؛ یعنی جایی که قصد تلذذ باشد از ادله جواز نظر خارج می‌شود. در این مورد که تردید حاصل می‌شود اطلاق محکم است. آن تأییدی هم که ایشان آورده مختص به فرض خاص نیست. ادله‌ای که ایشان اقامه کرده برای اختصاص تحریم به فرض قصد تلذذ، هیچ کدام مربوط به مورد خاص نیست. لذا در آن موارد هم این اطلاقات می‌تواند باشد.

سؤال:

استاد: تأکید کردم که هر کجا بحث جواز نظر به اجنبیه مطرح می‌شود یا اصلاً جواز نظر، غیر از زوجه و ما ملکت ایمانهم، غیر از آنها هر چه باشد مقید به عدم قصد تلذذ شده است. این بحث کلی است؛ فرق نمی‌کند، در مورد نساء اهل ذمه و بادیه نشینان، همه جا این بحث هست. ما کلی بحث می‌کنیم که چرا حرمت نگاه مربوط به نگاه به قصد تلذذ است و دلیل حرمت آن چیست و آنجایی که قصد تلذذ نیست، نگاه جایز است.

سؤال:

استاد: گاهی از اوقات ما در جاهایی بحث‌مان را کلی‌تر مطرح می‌کنیم ولو خاستگاه آن یک مسأله خاص باشد. مثلاً بحثی که ما در مورد آیه غض داشتیم، این به خصوص در مورد مسأله هجدهم و حرمت نظر به اجنبیه نبود. گفتیم ببینیم که مفاد این آیه چیست تا همه جا بتوانیم براساس مفاد و مضمون این آیه نتیجه بگیریم که آیا مثلاً در فلان مسأله قابل استدلال هست یا نه. چون به این آیه در مواضع مختلف استدلال شده است. مسأله تَلذذ را هم از همین زاویه مطرح کردیم؛ منتهی مسأله هجده بهانه‌ای شد برای اینکه این بحث کلی را مطرح کنیم؛ با توجه به اینکه گفتیم در مسأله پانزده، شانزده و هفده مطرح شده و در مسائل بعدی هم کلمه تَلذذ و ریبه می‌آید. خب اساساً تَلذذ و ریبه به چه معناست؟ چرا نگاه با تَلذذ حرام است؟ دامنه آن چقدر است؟ این بحث از این جهت یک بحث کلی و فراتر از مسأله هجدهم است.

به هر حال این سه دلیلی است که مرحوم شیخ برای اختصاص حرمت نظر به قصد تَلذذ ذکر کرده‌اند. اما دلیل ایشان که اطلاق ادله است، چه بسا با همان نکته و دلیلی که برای حرمت نظر مع التَلذذ ذکر کردیم، تقیید می‌شود. ما عرض کردیم به طور کلی نگاه با تَلذذ حرام است؛ این هم اجماعی است و هم ارتکاز متشرعه و بلکه مسلمین است. این اجماع یا ارتکاز، قرینه بر تقیید اطلاق است؛ اطلاق در صورتی محکم است که مقیدی نداشته باشد. اما اگر ما قرینه‌ای بر تقیید اطلاق داشته باشیم، قهراً دیگر اطلاق وجود ندارد. آنچه که بین مسلمین مرتکز است یا به تعبیر دیگر مجمع علیه است، نگاه با تَلذذ است؛ چه این تَلذذ قصد شده باشد و چه نشده باشد. ما نمی‌توانیم بگوییم حرمت فقط برای آنجایی است که قصد تَلذذ باشد، اما اگر مثلاً کسی به قصد تَلذذ نگاه نکرد اما در ادامه تَلذذ برای او حاصل شد، اشکالی ندارد، این را نمی‌توانیم بگوییم. مخصوصاً عنایت داشته باشید که تَلذذی که اینجا مدنظر است، همان تَلذذ شهوانی است و نه تَلذذ طبیعی که بشر از نگاه به مناظر زیبا برای او حاصل می‌شود. پس دلیل اول ایشان تمام نیست.

اشکال به دلیل دوم

دلیل دوم این بود که اگر نگاه با تَلذذ قهری حرام باشد، لازم‌اش این است که در همه مواردی که انسان به مقتضای طبیعت بشری به یک منظره زیبا یا وجه زیبا نظر می‌کند و لذت می‌برد، اشکال داشته باشد؛ چون آنجا تَلذذ نیاز به قصد ندارد؛ آدم خود به خود به یک منظره زیبا نگاه می‌کند لذت می‌برد و یک احساس خوشی به او دست می‌دهد. آن وقت چطور ما می‌توانیم بگوییم هر نوع لذتی حرام است ولو اینکه قصد نشده باشد. پس تعمیم حکم به غیر مورد قصد تَلذذ تالی فاسدی دارد که نمی‌توان به آن ملتزم شد.

این دلیل هم محل اشکال است. چون اساساً تَلذذ موضوع بحث، تَلذذ شهوانی است. ما که می‌گوییم آیا حکم حرمت اختصاص دارد به صورت قصد تَلذذ یا اعم است و شامل مواردی هم می‌شود که تَلذذ به طور قهری پیش بیاید، منظورمان آن تَلذذ شهوانی است که برای معالجات یا خواستگار و امثال اینها پیش بیاید. به عبارت دیگر گویا مرحوم شیخ این دو لذت را با هم خلط کرده‌اند؛ در مقام استدلال می‌فرماید اگر ما دامنه تحریم را توسعه بدهیم، لازم‌اش این است که حتی آن لذت‌های طبیعی حاصل از مناظر طبیعی و وجوه محسنه هم حرام باشد. ایشان گویا لذت را به یک معنای اعم از لذت شهوانی و لذت طبیعی و عقلانی گرفته است؛ در حالی که بحث ما فقط در خصوص لذت‌های شهوانی است. ما می‌گوییم لذت شهوانی به طور کلی

اگر در نگاه وجود داشته باشد حرام است؛ اگر کسی قصد این لذت شهوانی را کند، قطعاً حرام است و اگر هم از ابتدا قصد نگاه شهوانی نداشته باشد ولی به طور طبیعی و قهری برای او پیش آید، باز هم حرام است. مثلاً پزشک معالج دارد به صورت زن نامحرم نگاه می‌کند و اصلاً قصد تلذذ ندارد، اما به طور قهری این حالت برای او پیش می‌آید، اینجا نظر جایز نیست؛ چون ولو قصد تلذذ نداشته اما بالاخره آن تلذذ شهوانی ممنوع برای او حاصل شده است. به هر حال مرحوم شیخ به این دلیل هم نمی‌تواند استناد کند.

این دو جواب در کلمات مرحوم آقای حکیم در مستمسک^۱ هم ذکر شده است.

اشکال به دلیل سوم

اما دلیل سوم ایشان که صحیحه علی بن سوید است؛ صحیحه علی بن سوید بیشتر مورد بحث قرار گرفته آن هم به دلیل مضمون این روایت و حکمی که در آن بیان شده است. شاید چهار یا پنج پاسخ و احتمال در مورد صحیحه علی بن سوید می‌توانیم ذکر کنیم. روایت این بود که علی بن سوید به امام(ع) عرض می‌کند: «إِنِّي مُبْتَلَىٰ بِالنَّظْرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْجَمِيلَةِ فَيُعْجِبُنِي النَّظْرُ إِلَيْهَا فَقَالَ (ع): يَا عَلِيُّ لَا بَأْسَ إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نَيْتِكَ الصِّدْقَ»، می‌گوید من مبتلا هستم به اینکه به چهره زنان زیبا نگاه کنم و این باعث اعجاب من می‌شود. امام(ع) می‌فرماید اگر نیت تو پاک باشد اشکالی ندارد؛ بعد در ادامه می‌فرماید: «وَأَيَّاكَ وَالزَّنَا فَإِنَّهُ يَمْحَقُ الْبُرْكَهَ وَيُهْلِكُ الدِّينَ»، این باعث از بین رفتن برکت و دین تو می‌شود.

احتمالات چهارگانه در معنای روایت

اینجا جای این سؤال هست که چطور علی بن سوید به چنین مشکلی مبتلا بوده و دائماً تکرار می‌شده و اینطور نبوده که مثلاً برای یک بار اتفاق افتاده باشد و چطور امام(ع) فرموده‌اند این اشکالی ندارد. بالاخره یک طوری با بعضی مسلمات و قطعیات سازگاری ندارد. اگر بخواهیم به ظاهر اخذ کنیم، یعنی نگاه به زن زیبارو که به نوعی باعث لذت می‌شود، این اشکالی ندارد.

احتمال اول

مرحوم نراقی و به تبع ایشان مرحوم آقای حکیم درباره روایت گفته‌اند که ظاهر این است که علی بن سوید اضطرار به این کار داشته است؛ مثلاً حکیم بوده و زنان پیش او می‌رفته‌اند و از او دارو و دوا طلب می‌کردند؛ یا مثلاً بزاز بوده یا مغازه‌دار بوده که بیشتر زنان مراجعه می‌کردند و طبیعتاً در بین زنان، زن‌های زیبارو هم بوده‌اند. علی بن سوید می‌گوید من مبتلا هستم به چنین چیزی که زنان می‌آیند و من به ناچار به صورت آنها نگاه می‌کنم. امام(ع) می‌فرماید اگر نیت تو پاک باشد، این اشکالی ندارد. پس «لا بأس» متعلق می‌شود به نظر به زن جمیله از روی اضطرار؛ بعد امام(ع) هم تأکید می‌کنند که مواظب باش به زنا کشیده نشود^۲.

سؤال:

استاد: الان یک دکتری که در بیمارستان مریض می‌بیند، یا مثلاً پارچه فروشی که برای زنها لباس می‌فروشد، در بین اینها زن زیبارو هم هست. اگر بگویم اینی مبتلا بالنظر الی المرأة الجمیلة غلط است؟ اینجا منظور این نیست که علی بن سوید می‌گوید که من عادت به چشم‌چرانی دارم؛ نمی‌خواهد بگوید که من عادت دارم چشم‌چرانی می‌کنم و به دنبال این هستم که چهره

۱. مستمسک، ج ۱۴، ص ۳۰.

۲. مستند الشیعة، نراقی، ج ۱۶، ص ۶۱. مستمسک، حکیم، ج ۱۳، ص ۳۱.

زنان زیبا را پیدا کنم و نگاه کنم؛ اصلاً منظور این نیست. منظور این است که بخاطر کارم چنین وضعیت و ابتلائی دارم. امام(ع) می‌فرماید اگر نیت تو پاک است، یعنی اضطراب داری و ناچار هستی، برای آن مقداری که کار آنها راه بیفتد این اشکالی ندارد. «ایاک و الزنا»، دیگر نگفته‌اند که می‌تواند این باشد یا زنای چشم باشد؛ یعنی از زنای چشم پرهیز، از نگاه خیانت‌کار پرهیز؛ یا اینکه مواظب باش نگاهی نکنی که منجر به زنا شود.

سؤال:

استاد: می‌گویند من مبتلا به این هستم؛ بعد امام(ع) می‌گوید «إِذَا عَرَفَ اللَّهُ مِنْ نِيَّتِكَ الصِّدْقَ». مهم‌ترین قرینه همین است که اگر خدا می‌داند و از وضعیت تو آگاه است و نیت تو پاک است، نیت پاک یعنی چه؟ اصلاً می‌شود نیت پاک با آن نگاه با هم جمع شوند؟ لذا اصل این فرض غلط می‌شود.

سؤال:

استاد: این یک ادعایی است که شاید خیلی دلیلی بر آن نباشد. یعنی حمل کنیم بر اضطراب، به خاطر همین دیگران احتمالات دیگری گفته‌اند.

احتمال دوم

برخی مثل صاحب کشف اللثام^۱ و همچنین صاحب جواهر^۲، این روایت را حمل کرده‌اند بر نظر اتفاقی؛ یعنی طبق این احتمال معنای روایت این است که علی بن سوید به امام(ع) عرض می‌کند من بالاخره به طور اتفاقی چشمم به زنان زیبا می‌افتد. مثلاً در خیابان راه می‌روم، این به خصوص مربوط به شغل نیست، این چه جور است؟ منظورش از ابتلاء به نظر به زنان نامحرم یعنی من مبتلا هستم به نگاه اتفاقی به چهره چنین زنانی؛ در معابر عمومی و محافل عمومی. آن وقت امام(ع) می‌فرماید که چون خدا می‌داند نیت تو پاک است، اشکالی ندارد. اینکه سخن از نیت پاک به میان آمده، این قرینه است بر اینکه نظر، نظر اتفاقی است. این قرینه است بر اینکه این نگاه اتفاقی است. این بالاخره یک لحظه نگاه کرده، همان یک لحظه تلذذ برای او حاصل شده است؛ قصد نداشته ولی امام(ع) می‌فرماید آن نگاه اتفاقی اشکال ندارد، چون قصد تلذذ که نکردی، بنای نگاه نداشتی، به طور اتفاقی چنین نگاهی پدید آمده است.

استاد: بله، اصلاً بعید نیست که مرحوم شیخ براساس این احتمال به این روایت استدلال کرده؛ یعنی مثلاً مرحوم شیخ دیده چنین سؤالی شده و مثلاً نظر اتفاقی و تصادفی پدید آمده و طبیعتاً آدم یک لحظه نگاه کند، آن لذت ولو لذت شهوانی حاصل می‌شود. این نظر اتفاقی ولو با لذت شهوانی همراه باشد، این اشکال ندارد. یعنی قصد نیست.

سؤال:

استاد: ببینید این می‌تواند مرتبط با شغلش باشد، می‌تواند اضطراب نه، این نگاه اتفاقی هم بالاخره هم می‌تواند به تردد در معابر عمومی مربوط باشد و هم می‌تواند به سبب شغلش باشد. بالاخره یک جوری است که در خیابان راه می‌رود مبتلا به این هستم نمی‌خواهد بگوید مثلاً وضع من یک جوری است که هیچ‌کسی چنین وضعیتی ندارد. این سؤال کرده که من یک چنین گرفتاری دارم؛ برایش مهم بوده و نمی‌خواسته چنین وضعیتی برای او پیش بیاید. این فقط منحصر به علی بن

۱. کشف اللثام، ج ۷، ص ۲۳.
۲. جواهر الکلام، ج ۳۰، ص ۱۲۱.

سوید نبوده؛ این ابتلا برای همه هست. منتهی او متدین بوده و سؤال کرده است. این ابتلاء به نظر اتفاقی در یک چنین مواردی کأن برای همه بوده است. آن وقت امام(ع) می‌فرماید نظر اتفاقی اشکالی ندارد هر چند بالاخره این تلذذ حاصل می‌شود؛ طول که نمی‌کشد که لذت ببرد، همان لحظه که نگاه می‌کند ولو قصد ندارد، ولو تصادفاً نگاهش افتاده ولی این اثر قهری چهره زیباست که آن لذت در او حاصل می‌شود. امام(ع) می‌خواهد بگوید این اشکالی ندارد؛ این بالاخره دست خودت نیست و این پیش آمده است. ولی مواظب باش که این منجر به زنا نشود. آن وقت «ایاک و الزنا» را باید براساس این احتمال هر کدام را یک نوع معنا کنیم که تناسب آن حفظ شود. می‌خواهد بگوید مواظب باش این لذت‌های غیر عمدی و غیر قصدی که در اثر نگاه‌های اتفاقی پدید می‌آید، این یک وقت سر از زنا در نیاورد. خود این لابس به، چون قصد نداری. اما مواظب باش اینها منجر به زنا نشود. بالاخره ممکن است اینها باعث شود که انسان فعل حرام مرتکب شود. بله، همانطور که اشاره کردم چه بسا نظر مرحوم شیخ در استدلالشان یا تأییدشان به این روایت مثلاً به همین احتمال بوده که خب لذت حاصل شده، لذت قهری هم هست، شهوانی هم هست، اما هیچ قصدی برای لذت بردن در این نگاه وجود نداشته است.

سؤال:

استاد: اینکه شما در خیابان راه می‌روی در موضع تهمت هستی؟ ... خب بالاخره چه کار کند؟ یا مثلاً طیب است.

احتمال سوم

اما احتمال سوم که مرحوم علامه مجلسی آن را نقل کرده این است که مربوط باشد به خواستگاری؛ یعنی علی بن سوید می‌گوید من مبتلا هستم به نظر به زنان جمیله، چون خواستگاری زیاد می‌رفته است. در خواستگاری هم بالاخره طبیعتاً نگاه باید می‌کرده و نگاه به زنی که قصد ازدواج با او دارد هم جایز بوده طبیعتاً ابتلاء به نظر به زن زیبارو داشته است. آن وقت امام(ع) می‌فرماید وقتی نیت تو پاک است، تو واقعاً نگاه می‌کنی برای اینکه زن بگیری و ازدواج کنی، نیت تو پاک است و نگاه کردن تو جایز است و قصد تلذذ هم نداری، حالا از نگاه به اینها یک لذتی برای تو حاصل می‌شود، این لابس به؛ چون قصد تلذذ ندارد. این احتمالی است که مرحوم علامه مجلسی بیان کرده‌اند^۱.

سؤال:

استاد: مواظب باش این نگاه کردن‌هایی که در تو چنین لذت‌هایی ایجاد می‌کند یک وقت کار تو را به آنجا نکشاند. بالاخره این چهره‌ها در ذهن باقی می‌ماند و توهمات و خیالات و شیطان وارد می‌شود و تصرف در این صور و اینها، ممکن است سر آنجا در بیاورد.

سؤال:

استاد: یعنی در حقیقت این هم می‌تواند باشد که زنا عین مقصود باشد و کأن امام(ع) دارد می‌گوید مواظب باش که از اول که نگاه می‌کنی نگاه خیانت‌کارانه نداشته باشی. یعنی این نیت پاک را حفظ کن.

احتمال چهارم

۱. مرآت العقول، ج ۲۰، ص ۳۸۷.

احتمال دیگری هم بعضی داده‌اند که روایت دلالت می‌کند بر اینکه علی بن سوید بالاخره آدم خوش سلیقه بوده - تعبیر از من است - و به همه چیزهایی که زیبا بودند نگاه می‌کرده و تأمل در این چهره‌های زیبا او را به سوی خداوند تبارک و تعالی و تأمل در مخلوقات خدا وادار می‌کرده است. یعنی همانطور که از دیدن یک منظره لذت می‌برده، از دیدن زنان زیبارو لذت می‌برده ولی نه لذت شهوانی بلکه یک لذت عرفانی. بعد امام(ع) فرموده‌اند اشکالی ندارد، به جهت اینکه خدا می‌داند نیت تو پاک است و قصد تو از نگاه کردن، لذت شهوانی نیست؛ قصد تو تقویت ایمان و توحید و این امور است. یعنی کأن در رخ آن اشخاص، خدا را تماشا می‌کرده است. ممکن است برای بعضی این باشد اما خود پیغمبر خدا(ص) این چنین عمل نمی‌کرد و در مواجهه با این چهره‌ها سر خود را به زیر می‌انداخت یا روی برمی‌گرداند و الا پیغمبر(ص) که می‌توانست این نگاه را داشته باشد که واقعا هیچ آن جنبه در آن لحاظ نشده باشد^۱.

به نظر می‌رسد که این حرف قابل قبولی نیست. برای اینکه همانطور که قبلا هم گفتیم واقع مطلب این است که اساسا تفکیک بین این دو نگاه شاید مشکل باشد و بعد هم اگر بالاخره چنین روحیه‌ای دارد که به دنبال رؤیت حق در چنین چهره‌هایی است، این همه خداوند آیه و نشانه در این عالم دارد که می‌تواند با آنها ایمانش را تقویت کند، نه با یک چیز خطرناک که ریسک دارد. حالا درست است این احتمال با ظاهر روایت یک مقداری مساعد است ولی با مذاق متشرعه این احتمال سازگار نیست.

لذا مجموع آنچه که از روایت علی بن سوید ذکر شد، این است که طبق بعضی از احتمالات نظر مرحوم شیخ تأیید می‌شود اما طبق بعضی از احتمالات این چنین نیست. اگر ما این را حمل بر اضطرار کردیم یا حمل بر خواستگاری کردیم که این هم بعید است، دیگر نمی‌تواند مؤید شیخ باشد.

بررسی اشکالات ادله سه‌گانه

با اشکالاتی که مطرح شد معلوم می‌شود که به طور کلی نگاه با تلذذ حرام است. هرچند قصد تلذذ نباشد و ناگهانی حاصل شود، مثلا نظر اتفاقی باشد، این نگاهی که بدون قصد و اراده بتواند صورت بگیرد، بتواند لذت ایجاد کند، این نگاه که از اختیار انسان خارج است اشکالی ندارد، ولی به محض حصول تلذذ باید کف نفس کند. اما روایت علی بن سوید برخلاف آن دو دلیل قبلی، طبق بعضی از احتمالات می‌تواند دلیل بر مدعای مرحوم شیخ باشد.

اگر نظر مرحوم شیخ هم همین باشد که بعضی از آن ادله نمی‌تواند این را اثبات کند.

اما ما می‌توانیم به آن اشکالی که مرحوم آقای حکیم به دلیل اول گرفته پاسخ دهیم و بگوییم ارتکاز متشرعه مبنی بر حرمت تلذذ برای آنجایی است که قصد تلذذ باشد ولی از نظر متشرعه مواردی که تلذذ قهری حاصل می‌شود در آن موارد این را حرام نمی‌دانند اما در عین حال به محض حصول تلذذ، کف نفس می‌کنند. پس اشکال اول مرحوم آقای حکیم به دلیل اول مرحوم شیخ وارد نیست؛ به این ترتیب می‌توانیم دلیل اول مرحوم شیخ را هم تقویت کنیم.

دلیل دوم شیخ قابل قبول نیست؛ چون اصلا موضوعا آن لذتی که ایشان مطرح کرده از محل بحث ما خارج است.

دلیل سوم که صحیحه علی بن سوید باشد، عرض کردم که این طبق بعضی از احتمالات می‌تواند مؤید نظر مرحوم شیخ باشد.

^۱. مستند تحریر الوسيلة، ج ۲، ص ۳۹۵.

پس در حکم تلذذ به این نقطه رسیدیم نگاه به قصد تلذذ حرام است؛ نگاه در جایی که قصد تلذذ نباشد این اشکال ندارد ولی این استدامه نباید پیدا کند و به محض حصول تلذذ باید کف نظر شود. این نتیجه بحث در این بخش است. حکم ریه باقی می ماند؛ آیا حرام است؟ بر فرض ثبوت حرمت، حرمت آن نفسی است یا طریقی. این را جلسه بعد بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»